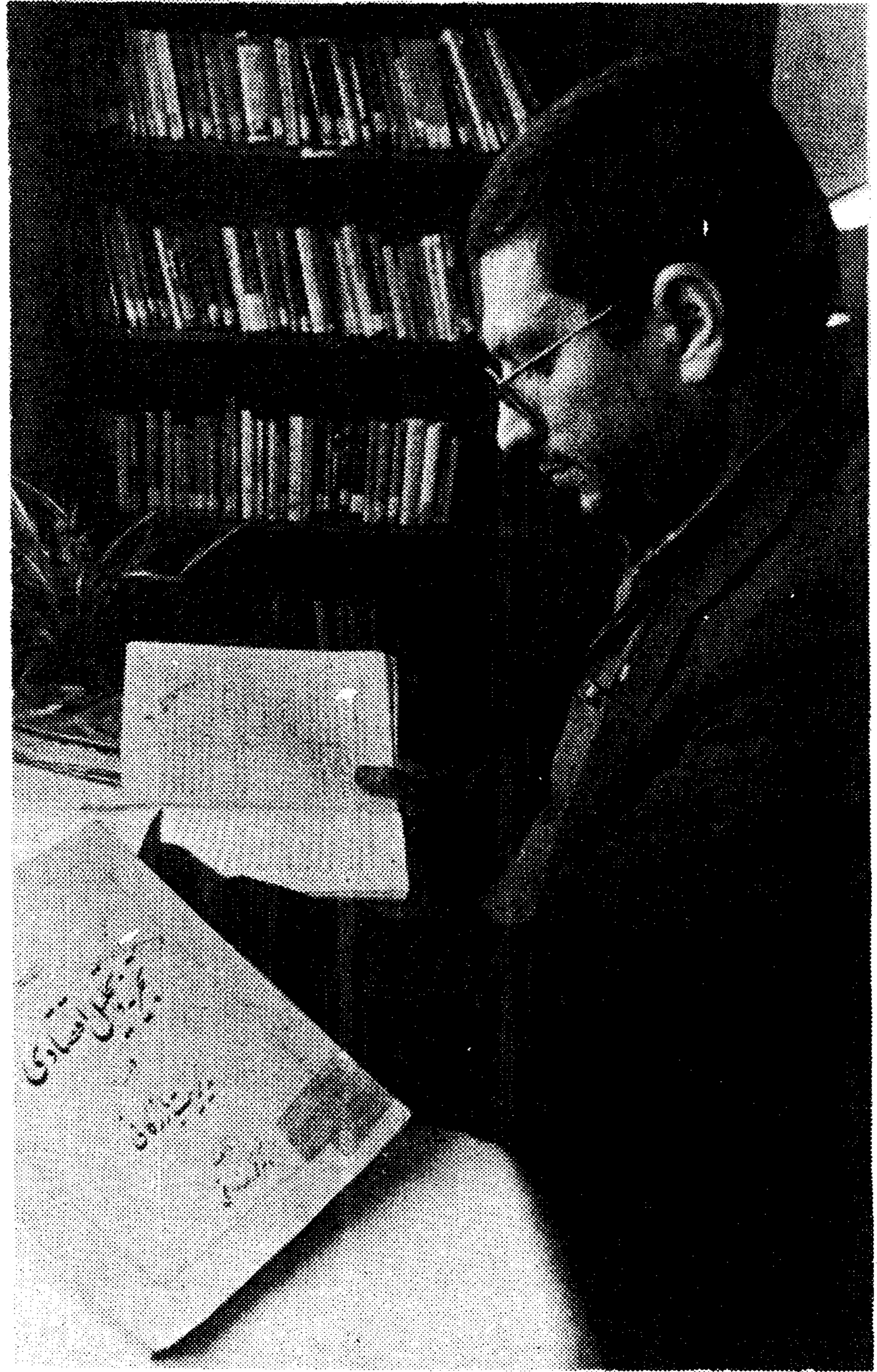


نقد و بررسی کتاب

نقدی بر کتاب "وضعیت بهتر"



به دانشجویان پیشنهاد می‌گردد و دکتر ارینک برن Eric Barne در وصف این کتاب گفته است "نخستین کتاب راهنمای مردم" هریس در میان دانشجویان مدیریت نیز نامی شناخته شده است و این مورد توجه قرار گرفتن، بیشتر به علت وجود "درس رفتار سازمانی" یا "تحلیل رفتاری" است که در آن جنبه‌های افزایش مهارت انسانی Human skills مدیران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

* * *

کتاب وضعیت بهتر، در واقع، دنباله کتاب وضعیت آخر است که ظاهراً "نویسندگان آن به واسطه استقبال فراوان از کتاب "وضعیت آخر" به نگارش آن مبادرت نموده‌اند. ما، در اینجا برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان اشاره‌ای مختصر به موضوع مورد بحث خواهیم داشت.

* * *

لازم به یادآوری است هنگام تایپ این نقد، نگارنده متوجه گردید که آقای اسماعیل فصیح ترجمه دیگر از کتاب مورد نظر را تحت عنوان "مانده در وضعیت آخر" به بازار عرضه کرده‌اند.

تامس، هریس - امی، هریس "وضعیت بهتر" مترجم احمد تقی‌پور، سازمان انتشاراتی کسری، تهران، چاپ اول، قیمت ۱۹۴ تومان، تیراژ ۶۰۰۰ نام اصلی کتاب: STAYING O.K. چاپ سال ۱۹۸۶ انتشارات آوون

تامس هریس برای جامعه کتابخوان ایران، بویژه مشتاقان علوم اجتماعی و روانشناسی نامی آشنا است. بیشتر ایرانیان هریس را با کتاب "وضعیت آخر" ترجمه آقای اسماعیل فصیح می‌شناسند، کتابی که اکنون در برخی از رشته‌های تحصیلی به عنوان یک منبع درسی

هریس اساس اندیشه خود را از نظریه تجزیه و تحلیل مراددهای دکتراریک برن، صاحب کتاب مشهور بازیها، اخذ کرده است.

مرادده عبارت از يك كُنش به علاوه يك واکنش است هنگامی که مدیر به یکی از کارکنان بگوید: "امروز کارت را واقعاً خوب انجام دادی (کنش) کارمند در جواب مدیر بگوید: "متشکرم" (واکنش).

گفته می‌شود يك مرادده انجام شده است. وهریس بر اساس این تعریف چهار "وضعیت بودن" را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

- ۱- من خوب نیستم، تو خوب نیستی.
- ۲- من خوب نیستم، تو خوب هستی.
- ۳- من خوب هستم، تو خوب نیستی.
- ۴- من خوب هستم، تو خوب هستی.

وضعیت‌های فوق، بیانگر وضعیت يك انسان در رفتار متقابلی است که دريك تعامل اجتماعی دارد و طبیعی است که اصطلاحات "وضعیت آخر و بهتر" اشاره به وضعیت چهارم دارند.

بخش دیگر T.A ارائه طرح جنبه‌های توأمان شخصیت آدمی است که در آن برای هر فرد آدمی سه حالت والد بالغ و کودک به شکل زیر مشخص شده است:



آشنایی با کتاب

اصطلاح وضعیت بهتر که توسط مترجم آقای تقی پور برای STAYING O.K انتخاب شده است با توجه به محتوای کتاب که تلاش می‌کند "تکنیک‌ها و شیوه‌های حفظ وضعیت چهارم را ارائه کند ترجمه مناسبی به نظر نمی‌رسد. کتاب مورد بحث شامل فصول زیر است:

- ۱- من خوبم و شما خوبید، پس چرا من آن را احساس نمی‌کنم؟

در این فصل نویسنده سعی دارد بر اساس پذیرش این اصل "که هم من خوبم هم تو" به این نکته پردازد که چرا با توجه به داشتن این "وضعیت خوب" ما به احساس این خوبی قادر نیستیم و در واقع، به این مطلب اشاره دارد که ماهیت روابط متقابل انسانها خوب است و تنها این انسانها هستند که به عللی و یا به علت قرار گرفتن در وضعیت خاص قادر به استنباط این خوبی نیستند و این احساس "خوب نبودن" و یا ناخوشایندی (یعنی سه وضعیت دیگر) تنها برخاسته از "نوع تلقی و نگاه" ما به رابطه‌هاست نه چیزی دیگر.

۲- شما می‌توانید خوب باشید اگر...

فصل دوم بیشتر چگونگی "پیامهای تربیتی" و ماهیت این پیامها در شکل‌گیری شخصیت کودکان و ضرورت تشویق لازم در مورد "کار کودکان" و آثار سوء عدم تشویق در به وجود آمدن احساس رسوایی را در کودکان مورد بررسی قرار می‌دهد و نویسنده بر اساس برخی از اظهار نظرهای متخصصان به والدین توصیه می‌کند.

خوب بودن کودکان (رشد یافته‌گان فردا) را به شرطی خاص مشروط نکنید و آنان را با پیامهای منفی "نرو" "نکن" "نمان" ... هدایت نکنید.

۳- گفتگوهای درونی (یادیا لوگ درونی)

منظور از گفتگوسخنی است که يك انسان با خود می‌گوید و این سخن گفتن با خویش برآیند رخدادها، تربیتها، و اوضاع گوناگون و ... با خود است و ماهیت این سخنها تعیین کننده وضعیت روانی فرد است و در صورت منفی بودن این دیالوگ درونی، آدمی دچار خود آزاری می‌شود و باید از این گفتگوی درونی که او را از وضعیت چهارم دور می‌سازد، خود را خلاص سازد.

۴- با، ردیابی احساسات را در دست بگیرید.

در این فصل برخاموشی درونی که همانا قطع کردن گفتگوی درون است به عنوان يك روش آرامش بخشش تاکید می‌شود و مزاحمت گفتگوهای درونی قدیم مورد توجه قرار می‌گیرد و توصیه می‌گردد "امر" و "نهی" والدین را که هنگام کودکی ضبط کرده‌ایم و اکنون به صورت پیامهای جنبه والدی ما را گرفتار گفتگوهای درونی ساخته است ردیابی کنیم و در خاتمه به فواید این ردیابی اشاره می‌شود.

۵- آشفته‌گی خود را خاموش کنید.

زمینه اصلی عدم درک " احساس خوبی " آشفته‌گی در شکل‌های گوناگون آن است. آشفته‌گی سبب می‌گردد که آدمی تصویری دقیق از " خود " و روابطی که با جهان خارج از خود دارند نداشته باشد. در این فصل به ضرورت مهار کردن این آشفته‌گی و راه‌های موثر و غیر موثر برای این کار اشاره می‌شود.

۶- بالغ و حمایت والد

رشد آدمی در قلمرو جسم و روان نیازمند حمایت است این حمایت از مراقبت‌های ایام بارداری و ضربه‌های دکتر بر پشت نوزاد برای شروع تنفس آغاز می‌شود و تا آخرین لحظات حیات ادامه می‌یابد. در این فصل نقش عواملی چون: آگاهی، نیروی عقلانی، تشریفات و آداب معاشرت برخورد چشمها، مطالعه احوال مردم، پیشگویی، اختیارات، پیمانها و... که به صورت حمایت‌های سازنده و مخرب در روند رشد آدمی دخالت دارند، مورد بحث و توضیح قرار می‌گیرد.

* * *

بعد از اتمام فصل ششم در صفحه ۱۴۷ به صفحه‌ای با عنوان " پیش گفتاری از نویسندگان " بر می‌خوریم که بخشی از آن رابه شرح زیر می‌آوریم:

... امیدواریم که شما کتاب اول را (وضعیت آخر = من خوبم - شما خوبید) خوانده باشید، در غیر این صورت پایه و اساس کتاب نخستین بطور خلاصه در این کتاب گنجانیده شده است (بخش نخستین = فصول اول تا ششم)

...

* * *

۷- بازدارنده‌های والد

جنبه " والد " شخصیت ما یعنی همان نوار ضبط شده امرونی‌ها در کودکی‌ها در طول زمان، متکاملتر و پیچیده‌تر می‌شود و همواره ما را در برابر سختیها و مشکلات به " ورطه يك خود آزاری درونی " می‌کشاند. در این فصل چهارده روش به عنوان بازدارنده‌های " جنبه والدینی از فعالیت " توصیه می‌شود تا آدمی به کمک آنها " استراتژی دفاعی " خویش را در برابر " خود آزاری درونی " سازماندهی کند، روشهایی چون:

۱- تکان دادن اعضای بدن

۲- هم اکنون و در اینجا حضور داشته باشید

...

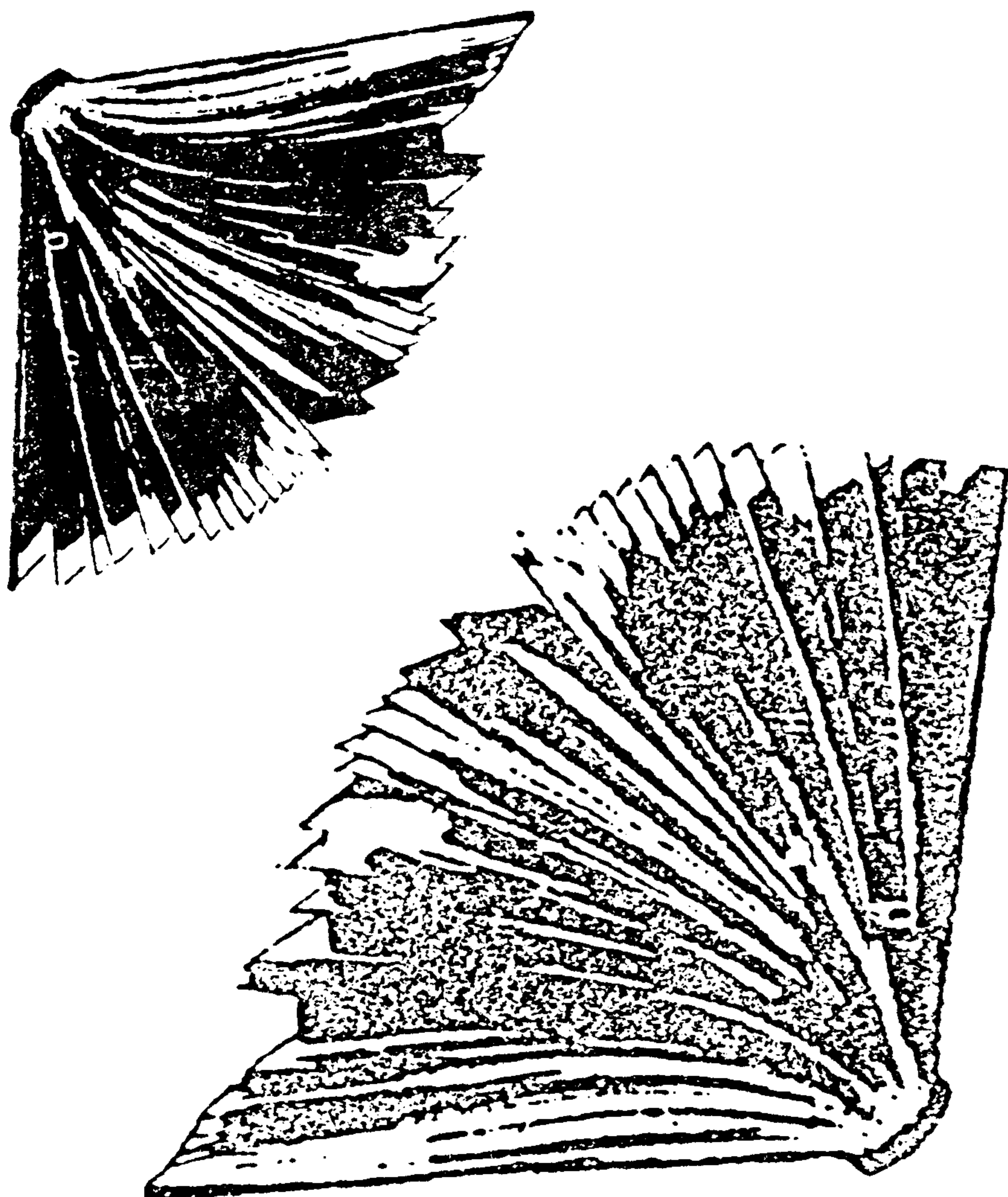
۱۴- دعا و دعا کننده، برای بسیاری از مردم روش شگفت انگیزی است بطوری که يك سرود مذهبی قدیمی می‌گوید: " باز سنگین خود را به خدا بسپار و ترکش کن " در کتاب مقدس آمده است " اگر قلب ما، ما را محکوم می‌کند خدا از قلب ما بزرگتر و به همه چیز واقف است " من تنها يك بشر هستم غیر کامل، به هر حال بخشودن سی و دوست داشتنی، نیازمند آسودگی خیال.

و در پایان فصل نتیجه می‌گیریم که:

" شاداب باشیم، ما می‌توانیم بالغ خود را درگیر تغییر کنیم.

۸- ستایش و نوازش

ستایش بدان معنی است که کسی با مهربانی به شما نگاه کند، از باغچه همسایه شما را با لفظ خودمانی " هی " صدا کند، به شما یادداشت بنویسد، دوستان به شما زنگ بزنند... همه به يك اندازه به نوازش و ستایش نیاز دارند... اگر ستایش از حد گذشت... سیستم گیرنده ما مسدود شده ما را فراری می‌کند و ممکن است ما را در رفتارمان به فعالیت‌های تک نفری سوق دهد...



اینها جملاتی است که این فصل با آن آغاز شده و با نمودار " افقهای راحتی ستایشگری" مورد بحث قرار می‌گیرند و تا پایان فصل فرمها و شکل‌های دوازده گانه نوازش و ستایش توضیح داده می‌شوند. به عنوان شکل دوازدهم نوازش و ستایش :

شکل ۱۲- در تصمیمات خود راه مبالغه را طی نکنید. ۰۰۰ اگر شما به کسی تلفن کنید بهتر از این است که بنشینید و لیستی از اسامی ۵۵ نفر که در سال جاری می‌خواهید به آنها تلفن کنید، تهیه نمایید.

۹- شما چه می‌خواهید؟

ابتدا خواسته‌های خود را فهرست کنید. هر چه به مغز شما خطور می‌کند اعم از خواسته‌های فوری، درازمدت، احمقانه، نمکی یا سالم و سازگار ۰۰۰ ارزش فهرست هر فرد، ویژه و ناشی از طیب خاطر اوست. این روشی است که در فصل نهم برای "آگاهی یافتن بر خواسته‌های فردی پیشنهاد می‌گردد. در ادامه فصل مساله "چه قسمتی از من يك خواسته را می‌خواهد"، نتایج هراختیار، هنگامی که خواسته‌ها با هم در کشمکش هستند، ۰۰۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، مثلث متساوی الاضلاع خواسته‌های کودک با سه‌راس (نواوری - معنی - امنیت) مطرح می‌گردد.

۱۰- نیاز مندیها برای تغییر:

هنگامی که يك فهرست از خواسته‌ها تهیه کردیم بعد چه باید بکنیم؟

این سؤال آغازین فصل است و بعد پاسخ کوتاه که : خواستن نیمی از آن است که به دست می‌آوریم، نیمه دیگر تغییر و تبدیل است و بعد می‌پرسد :

چه چیز و چه شخصی تغییر می‌کند؟

این فصل تلاشی است برای پاسخ به آخرین سئوالی که گذشت و برای این کار جدول تغییرات رفتار، نمودار آزادی و مسئولیت ۰۰۰ به کمک مثال‌های عینی و واقعی ارائه می‌شوند.

۱۱- نگهداری مردم یا مردم داری:

یکی از نتایج تغییرات این است روی مردم دیگر اثر می‌گذارد. دیگران آموخته‌اند رفتار ما را پیش بینی کنند و غالباً اعمال خود را بر اساس به خودگیری ما بنا می‌گذارند. ۰۰۰ و اگر تغییرات باعث شود مردم از ما دور

شوند زندگی، ما را به جلونمی‌برد زیرا ما ستایش‌های زندگی خود را از مردم می‌گیریم. ۰۰۰

برای نگهداری و کنار آمدن با مردم روشهایی برای حل، فصل درگیری با مردم مورد نیاز است و در فصل مذکور روشهای دهگانه دکتر لوئیژ نورینگتن (Louis Normington) از مرکز بهداشت سنت هلن با اضافه کردن مثالهایی از طرف نویسندگان کتاب آورده شده است.

۱۲- آنچه والد را بیزار می‌کند و می‌رنجانند.

تمایلات مادر طول زمان سرعت می‌گیرند و هر دم خواسته‌های ما وارد قلمرو نوینی می‌شود و جنبه والدی ما در سر راه این پویایی به عنوان يك نیروی مقابله ایستادگی می‌کند. و اگر والد يك نیروی مثبت باشد می‌توان به او قلاب شد و در مسیر زندگی از هدایت او بهره گرفت و در غیر این صورت باید جنبه والدینی شخصیت خود را رنجانند و فراری داد. و برای این کار روشهایی وجود دارد از جمله گریز، قطع تحلیل، توافق، سکوت، حرکت و جابجایی، تشویق و شادی، عوض کردن فکر و غیر آن.

۱۳- از وقت خود مواظبت کنید:

کلمه "خوب" امری نسبی است و در هر چشم اندازی در برگیرنده بار ارزشی خاص و ویژه است. اما نویسندگان در این فصل "خوب" را بدین گونه معنی می‌کنند:

"خوب و روبراه بودن بدان معناست که از زندگی خود مواظبت کنید و مواظبت از زندگی خود یعنی مواظبت از وقت خود".

سپس به عوامل هدر دهنده وقت چون آشفتگی، اشیاء، احساسات تیره و تار و ۰۰۰ اشاره شده و در خاتمه روشهای جلوگیری از اتلاف زمان مورد بررسی قرار می‌گیرند و فصل با این جمله به پایان می‌رسد:

"شاید ما عمر ابدی را دقیقاً" هنگامی تجربه کنیم که درباره آن فکر نمی‌کنیم، هنگامی که کافی است بگوییم "برای امروز خدا را سپاس می‌گوییم" و با شرکت در جشن این لحظه زندگی می‌کنیم".

۱۴- ساختن کودکان:

با جمله زیر ضرورت نگارش این فصل توضیح داده می‌شود:

"هنگامی که در کودکی شخصیت انسان مهمترین ساختار

خود را شکل می‌دهد، به نظر می‌رسد که ارزش دارد در مورد ساختار کودک اظهار عقیده‌ای به عمل آورد. این فصل برای همه است، حتی اگر کودکان شما رشد کرده باشند. . . .
و سپس فصل مذکور دربرگیرنده پیامهایی است که باید در هنگام شکل‌گیری کودک به او ارائه کرد، پیامهایی چون: آگاهی، پذیرش، راستی، راستگویی، سازگاری، امید و . . .

۱۵- دانایی و جرات:

در این فصل که به صورت تلویحی از مباحث کتاب نتیجه‌گیری شده به نقش آگاهی و سپس جرات عمل کردن به خوبیها پرداخته شده و در قسمت ایمان گفته شده است:

بهترین دعایی که اخیراً " به گوش ما رسیده گفته پسر بچهای است که می‌گوید:

" خداوندگارا لطف و عنایت فرما مردم بد را خوب و تمام مردم خوب را خوبتر و عالی‌گردان و آرام بخش تـرین گفته‌ای هم تا به حال شنیده‌ایم نوشته دکتر جیمز وارتن است که می‌گوید:

" همه ما در یک چیز شریکیم و ایزد متعال هم در این چیز با ما است " .

* * *

نگاهها

الف: نگاهی محتوایی

نمی‌توان بر کتاب به علت گستردگی روشها و تکنیهای که در آن مطرح شده است با شتابزدگی نقدی محتوایی ارائه داد، زیرا این امر نیازمند جلسات گروهی نقد و بررسی و ارائه این روشها در یک " تطبیق‌دهی ارزشی " با ساخت فرهنگی جامعه ما می‌باشد که این قلم خود را از درگیری در این عرصه به شکل گسترده‌ای ناتوان می‌بیند اما در اینجا برای رعایت اختصار تنها به تاملی در حوزه معنایی کلمه " خوب " (به عنوان عنصر اصلی کتاب) در فرهنگ ارزشهای خودی و معنای مورد نظر در کتاب (خوب و روبراه بودن بدان معناست که از زندگی خود مواظبت کنید و مواظبت از زندگی خود یعنی مواظبت از وقت خود) خواهیم پرداخت .

واژه " خوب " دارای معنایی نسبی بوده و برای هر فردی دارای مفهومی خاص است و از اهمیت جا است که آدمها در رابطه با اصطلاحی بنام " خوشبختی " دچار اختلاف عقیده هستند . در کشورهای مغرب زمین به علت حاکمیت تفکر " عقل‌گرایی محض " معنی واژه " خوب " مصادیقی جز مرتب و منظم بودن امور گوناگون زندگی بر اساس آرزوها و خواستههای فردی ندارد و همچنانکه آمده است معنای " خوب بودن " در کتاب تاکید بر مواظبت از وقت دارد و زندگی خوب یعنی مراقبت از زمان به منظور دست یابی به هدف مورد نظر می‌باشد . و از همین جا نسبت ارزشی و اخلاقی حاکم بر زندگی غربیها آشکار می‌گردد .

و این در حالی است که در فرهنگ ما واژه " خوب " غیر از کاربرد روزمره اجتماعی از نظر ارزشی دارای معنایی خاص است، بر اساس ارزشهای ما منظم بودن امور بر اساس آرزوهای فردی ضرورتاً " معنی " خوب بودن " نداشته زیرا این فرهنگ به انسان " نگرشی نقطه‌ای و خالی " در مسیر بسته تولد - مرگ ندارد و به همین دلیل هر آرزویی برای انسان امری مجاز و پسندیده نمی‌تواند باشد مگر خواستهها، آرزوهایی . . . که " سلامت تمامیت وجود " آدمی را در پیوستگی لحظه‌های این جهانی به سوی ابدیت بی‌پایان تضمین کند . و در واقع " خوب بودن " بر اساس این معیار که " ماهیت اعمال " ما تا چه اندازه در طول و راستای وارد شدن در " گستره بی‌پایان ملکوت " می‌باشد قابل سنجش است و منظور نظر غربیان چیزی جز " نسبی بودن " ارزشها در مکانها و زمانهای مختلف نیست و بر اساس معنای مورد نظر ما در " چهار وضعیت بودن " بهترین وضعیت، وضعیت " من خوب نیستم، تو خوبی " می‌باشد و برای تائید این نکته گفتار پیامبران و اولیاء . . . اشارتی روشن است که به سرزنش خود و یادکردن نقصهای خود پرداخته اند و بـه تابعین خود توصیه کرده اند که هرگز خویششان را به " اعتبار خود " خوب ندانند یعنی آدمی از دریچه نگاه به خویش باید خود را ناقص‌ترین و بدترین آدمیان بداند تا " بوی حکمت " به مشام وی برسد و این مطلب با " خودکم بینی " مطرح شده در مکاتب روانشناسی یکسان نیست زیرا خودکم بینی حاصل از یک مقایسه فرد

با فرد می‌باشد و حالت مطرح شده در فرهنگ الهی‌زائیده
"نگاه به مردم با دیدگاه خدایی" است.

* * *

در حالیکه احساس " خودکم بینی " آدمی رادر " مسیرو

انفکاک حوزه معنایی " خوب " در قلمرو دو فرهنگ
نکته‌ای است که در تحلیل‌های روان‌شناسی باید مدنظر
داشت.

ب - نگاهی فنی

- با لا بودن قیمت کتاب که بیشتر دانشجویان از خرید
آن عاجز مانده‌اند و همین دلیل معرفی فصل به فصل ما،
در جهت ارائه چهار جوبی کلی از کتاب در ذهن
دانشجویان به منظور آگاهی به دیدگاه‌های جدید
نویسندگان صورت پذیرفته است.

- نداشتن فهرست مطالب، اسامی و منابع

- آوردن پیشگفتار نویسندگان به شکل متن اصلی در
وسط کتاب، در حالی که بهتر بود سنت متداول چاپ در
ایران رعایت می‌شد. و پیشگفتار قبل از فصول اصلی
کتاب آورده می‌شد.

- عدم نگارش یادداشتی از سوی مترجم برای آشنایی
خوانندگان به شیوه کار ترجمه و چگونگی اصطلاح‌گزینی
ایشان، با توجه به اینکه این کتاب بسط یافته کتاب
" وضعیت آخر " می‌باشد.

- نداشتن غلطنامه با توجه به اغلاط فراوان گاه چاپ
نشدن حاشیه برخی از صفحات به عنوان مثال صفحات
۲۶۶ و ۱۵۹ و غلط‌های امقانه (احمقانه)، ساتتریفوژ
(سانتریفوژ)، خور (خود) به ترتیب در صفحات ۱۴۹-۱۰۳
۶۸

- نامشخص بودن جهت‌فلشها در صفحات ۶۷-۶۶-۶۸
- عدم ویرایش متن و به کارگیری علایم برای بهتر
خواندن، به عنوان نمونه:
صفحات ۴۷ - به خودگیری‌ها مادر موردنیای بیرون تنی
از همه بالاتر ...

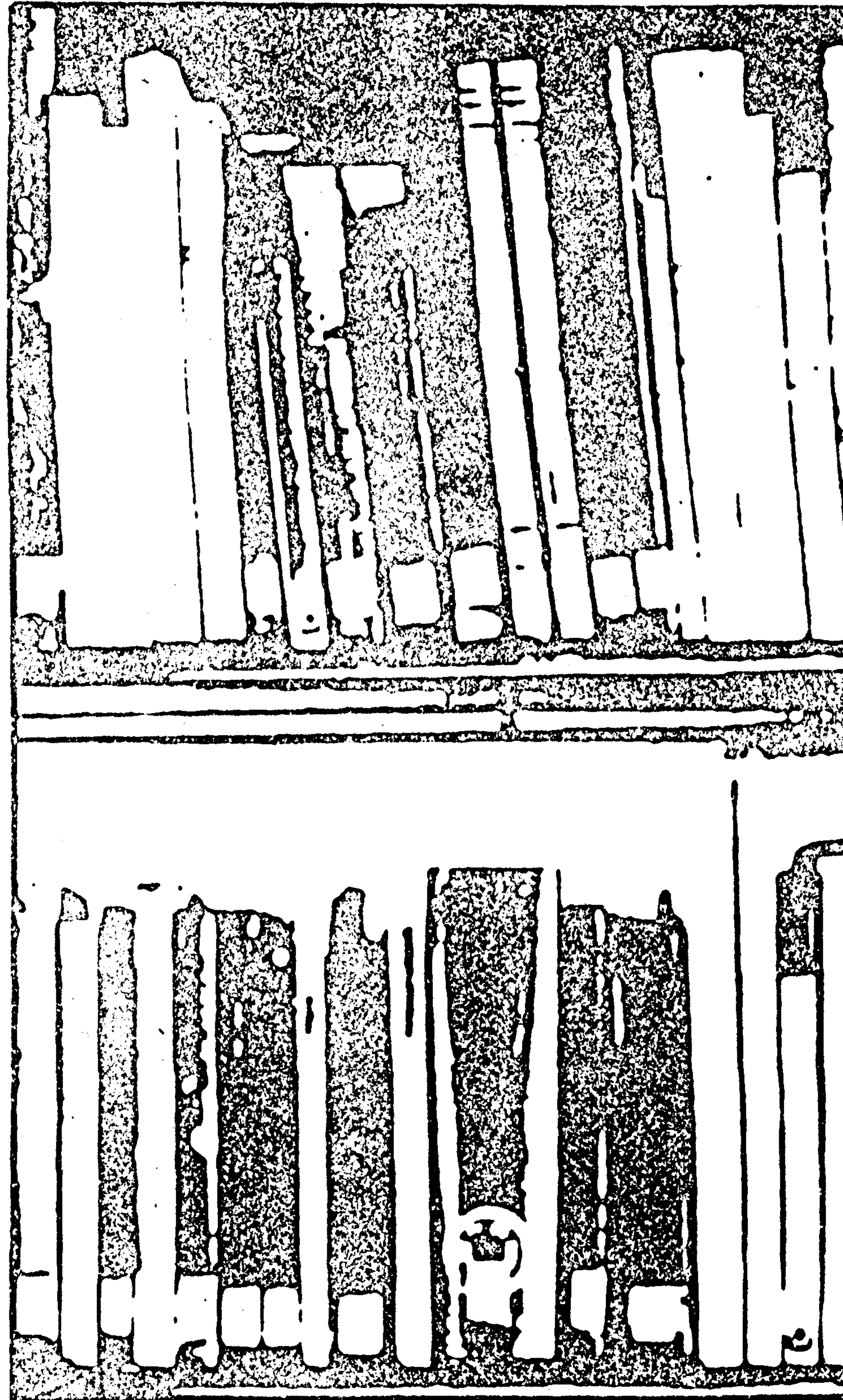
- به کارگیری جملات نامانوس:

صفحه ۵۴ - روی تاج گل خود استراحت نکن.

صفحه ۵۵ - ستایش دزدیده می‌شود.

- به کارگیری معنی غلط برای برخی واژه‌ها

صفحه ۵۹ - استفاده از واژه سیناپس به عنوان محل اتصال
سلولهای عصبی در متن برای ترجمه واژه (synaptic) و
ترجمه خود مترجم از این واژه اتحاد کرموزمهای همانند
پیش هسته نروماده. در خاتمه آرزوی توفیق مترجم و
اصلاحات ایشان را در چاپهای بعد خواستاریم.



به سوی کمال " متوقف می‌سازد و یک انسان در فرهنگ
الهی " احساس خوبی " از آن روی می‌توان داشته باشد
آدمی در حضور خدایی است که او " خواهنده خوبیها
برای بنده خویش " است.